

## انجمن فرهنگی ایران و هند\*

سید حسن تقی‌زاده

در ابتدای سخن باید بگویم که برای اینجانب، به وسیله گذاشته شدن وظیفه افتتاح انجمن روابط فرهنگی هند و ایران به عهده من، افتخار بزرگی بخشیده شده و به همین جهت اولین تکلیف من تشکر خالصانه از این حسن ظن و لطف مؤسسين این انجمن است. زمینه ارتباط معنوی هند و ایران بقدری وسیع است که علاقمندی جمعی از دانایان و ارباب فهم این مملکت به هند عجیب نیست بلکه اگر عجیبی هست در تأخیر تشکیل چنین انجمنی تاحال است.

شبه جزیره‌ای که ما از قرن‌ها به این طرف آن را به نام «هندوستان» می‌نامیم مملکتی بوده که با وجود آنکه سکنه آن در نژاد و زبان و دین مختلف بودند، دارای یک آداب و تاریخ مشترک بوده و به مملکت عظیم خود علاقه قوی داشته‌اند. حالا این قطعه از حیث سیاست و اداره به دو مملکت تقسیم شده است. مع ذلك اسم هندوستان جهت جامعه آن شبه جزیره است. کلمه هند که ما استعمال می‌کنیم از لفظ سند آمده با آنکه سند (رودخانه و ولایت) حالا جزو

---

\*. روز سه‌شنبه ۲۴ مرداد ۱۳۲۴ انجمن ایران و هند در باشگاه دانشگاه به ریاست جناب آقای سید حسن تقی‌زاده افتتاح یافت. یغما، سال هشتم، شماره ششم شهریور ۱۳۳۴ صص ۲۴۱ تا ۲۴۴.

هندوستان فعلی نیست. سفر مانی مؤسس دین مانوی به هند در تاریخ معروف است ولی فقط به سند رفته بود.

چون خاک ایران و هندوستان اتصال دارد تمدن این دو قطعه هم از قدیم باهم مرتبط بوده است. اکتشاف تمدن بسیار قدیمی در سند و پنجاب و شهرهای «موهنجودارو» و «هارایا» که تاریخ آنها نزدیک به پنج هزار و سیصد سال قبل می‌رسد، و شباهت نزدیکی که بین آثار آن نقاط با آثار سومر در جنوب غربی ایران (فعلاً در خاک عراق) ظاهر ساخت و تحقیقات بعدی رشته اتصالی در خط تمدن آسیای غربی و هند و بلوچستان نمایان کرد.

پس از آن ادوار خیلی قدیم قبایل اریایی از خارج و شاید از شمال غربی به هند وارد شده و بیشتر در پنجاب استقرار یافتند. زبان آنها که نشانه‌ای هم از نژادشان تواند بود «آریایی» یعنی شعبه‌ای از السنه هند و اروپای شرقی بود و شباهت زیاد آن زبان که اثرش در «ریگ ودا» یا مجموعه سروده‌های زردشتی قدیم از حدود قرن ششم قبل از مسیح و از شمال مشرقی ایران قرینه قرابت یا حتی وحدت دو قوم ودایی و اوستایی تواند شد.

قصص و روایات قدیم یا اساطیر دو قوم هم از یک مبدأ است. مثلاً «جم» اساطیر ایرانی همان «یم» هندی است. بین عهد سروده شدن وداها و ظهور بودا ممالک و سلطنت‌هایی در هند پدید آمد و تمدنی بومی داشتند ظهور بودا مبدأ نهضت عظیمی بود و دین او در هند مخصوصاً پنجاب و مغرب هند و همچنین در مشرق ایران انتشار وسیعی گرفت و گرویدن «اسوکا» پادشاه بزرگ هندوستان (۲۲۷-۲۶۴) قبل از مسیح به آن کیش آن را به اوج عظمت رسانید. در آسیای مرکزی و شمال شرق ایران مملکت کوشان و آنجاها که قلمرو فعلی افغانستان

است این دین مراکز زیادی پیدا کرده است و بلخ با معبد معروف نوبهار که «نواهار» یعنی معبد جدید باشد در ایران نیز شهرت داشت. اگرچه ایرانیان دوره اسلامی آن را آتشکده فرض کردند، متولی آن معبد «بَرْمَک یا بَرْمُک» نامیده می‌شد و آخرین آنها تحت اطاعت مسلمین درآمده و اولاد او مقامات عمده پیدا کردند و به برمکیان معروف شدند.

بعد از اسکندر حکومت یونانیان در ایران و سلطنت یونانی در پنجاب و باختر به هر حال جهت اشتراکی بین دو مملکت بود. از عهد قدیم آثار ارتباط ادبی بین هند و ایران مشهود است. بازی شطرنج و کتاب کلیله و دمنه و بودآسف و بلوهر از هند به ایران آمده است. در دوره قبل از اسلام و مخصوصاً عهد ساسانیان علم نجوم و طب هندی نیز در ایران رواج یافته بود. وجود لغات هندی زیادی در زبان فارسی شاید بیشتر دلیل ارتباط تجارتي بین دو مملکت و مخصوصاً سواحل هند و خلیج فارس تواند شد. امثله‌ای از لغات هندی در فارسی را «پاول هورن» عالم آلمانی جمع کرده و خود اینجانب نیز در خطابه‌ای که به عنوان توجه ایرانیان در گذشته به طب در مجمع شیر و خورشید سرخ در چند سال قبل خواندم اسامی عدّه معتدبه از نباتات را در فارسی که اصلاً هندی هستند شمردم.

در دوره اسلامی از وقتی که از اوایل قرن اول مسلمین داخل ملتان و سند شدند روابط عالم اسلامی با هند از طریق برّی از راه ایران بود و ظاهراً این روابط غالباً به وسیله ایرانیان بود. تسلط قرامطه در ملتان علامت ارتباط آن نواحی با مراکز اسمعیلی عراق و ایران است. بعد از سبکتکین و اخلاف او این روابط بین عالم اسلامی و هند بسیار وسعت گرفت، اگرچه برای هند به علت آنکه این

رابطه به طریق استیلا و تعرض مذهبی بود نامطلوب بود لکن بعدها که هندهای مسلمان تمدن اسلامی و هندی تأسیس کردند امتزاج کاملتر گردید.

تاریخ اشتراک اداب و روابط علمی و عرفانی بین دو مملکت را با جزئیات آن دوست فاضل ما آقای فریدنی مشایخ به طور کاملتری جمع و یادداشت فرموده‌اند و من اگر می‌خواستم این رشته را دنبال کنم چیزی بهتر از آن نبود که آن یادداشتها را که ایشان با کرم خاص به اختیار من گذاشتند به عرض آقایان محترم برسانم. لکن چون گمان می‌کنم وظیفه عمده اینجانب امروز افتتاح کلام و آغاز نظیر این مجالس است باید همه آن معلومات ذی‌قیمت در یک خطابه خود ایشان در یکی از جلسات آینده انجمن به سمع آقایان برسد.

من فقط به عصر خود باید اشاره بکنم و بگویم که همین امروز ما چقدر می‌توانیم از هند و تمدن و علوم و آداب و فلسفه آن مستفید گردیم. هند امروز در راه ترقی است و وضع سیاسی و اقتصادی آنها بسیار محکم و متین و قابل سرمشق بودن است. هند سالیان دراز تحت تسلط بیگانگان بود و امکان انبساط برای وی کم بود لکن به مجرد آزادی به راه انضباط امور خود افتاد و در هفت هشت سال، بیش از سی چهار سال راه رفت و در غالب رشته‌های ترقیات مدنی راهی زیاد پیمود. اگر انجمن ما در تهران به شناساندن اوضاع هند و معارف و آداب آن خطه خدمتی بکند و به وسیله خطابه‌های مفید و وسایل دیگری که در اساسنامه انجمن پیش‌بینی شده واسطه تفاهم و آشنایی بیشتر این دو ملت بشود مددی مهم به معرفت و تمدن انسانی و صلح‌دوستی بین‌المللی نموده است.

من سابقاً گفتم که اینجانب از ایام جوانی از دوستان هند و هندها بودم و با آزادی‌طلبان آنها همکاری کردم و برای این اخلاص ممتد اجری بهتر از این

نمی‌شد که مرا به این مقام که در آن ایستاده‌ام پذیرفته و افتخار داده‌اند و اینک به همین چند کلمه برای افتتاح انجمن اکتفا نموده حضار محترم و سایر هموطنان را به شرکت در کار این انجمن و عضویت در آن دعوت می‌نمایم.